



مهدی پرتار، کارشناس ارشد معماری منظر، دانشگاه تهران
mehdiptar@yahoo.com

زبان منظر

کارکردهای دستور زبان منظر پسا صنعتی

چکیده: ساختار زبان منظر، از یک سو با به کارگیری واژگان برای انواع ایزه‌های منظر (Landscape Objects) و قوانین ترکیب فضایی آنها می‌تواند شخصیت یک منظر را تجزیه و تحلیل کند. و از سوی دیگر، با استفاده از نوعی سیستم زاینده (Generative System) به باز آفرینی منظر کمک کند. ساختار زبان منظر و نوع گفتمان مخاطب و منظر، در هر فضا متفاوت است. بشر امروزی با تغییر در سیاست‌های اقتصادی عصر مدرن، به طور دایم شیوه‌های جدیدی از زندگی و فضاهای شهری را تجربه می‌کند. تغییر مرزهای شهری، به واسطه رشد پراکنده شهر و رویارویی با عرصه‌های دانه‌درشتی که سیالیت و فعالیت شهری را مختل کرده، به عنوان چالشی نوین، پارادایم‌های منظر شهری در عرصه‌های پسا صنعتی را شکل داده است. در واقع بشر امروزی، دایم فضا را مصرف می‌کند، دور می‌اندازد و باز با آن مواجه می‌شود. این فرآیند رویارویی مجدد با فضاهای انسان ساخت و مهجور، محرکی برای جهش دیدگاه زیبایی‌شناسانه منظر و ادبیات گفتمانی آن است و ساختار جدید زبان منظر در عرصه‌های پسا صنعتی را شکل می‌دهد.

واژگان کلیدی: منظر شهری، زبان الگو، ساختار زبان منظر، منظر پسا صنعتی.

مقدمه

همان‌طور که جملات، به واسطه چیدمان واژگان در دستور زبان شکل می‌گیرند و ارتباطات انسانی و انتقال مفاهیم را رقم می‌زنند، منظر نیز می‌تواند به عنوان گزیده‌ای از ایزه‌های فیزیکی با نظم گرامری ادراک شود. این ایزه‌ها حاوی ساختارهای سطحی و گاه عمیق برای انسان هستند. برای بیان یک حس یا یک مفهوم ثابت، در فرهنگ هر زبانی تعابیر متفاوتی وجود دارد که این امر معمولاً در برگرداندن آن مفهوم به زبان‌های دیگر آشکار می‌شود و نشان‌دهنده وجود ساختارهای زبانی مختلف و شخصیت‌های متفاوت برای هر زبان است. این امر در مباحث منظر شهری نیز اتفاق می‌افتد و اخیراً نیز انسان مدرن با شخصیت و ساختار زبانی جدیدی از فضا در عرصه‌های پسا صنعتی روبرو شده است. این مقاله، ابتدا مفهوم دستور زبان منظر (Landscape Grammar) را ارائه می‌دهد و به بررسی این مفهوم در عرصه‌های پسا صنعتی شهر می‌پردازد. در ادامه با بررسی تطبیقی سه نمونه از تجارب جهانی منظر پسا صنعتی، چند شاخص گرامری منظر در باز آفرینی منظر این گونه عرصه‌ها استخراج و در نهایت نتایج مطالعات بسط داده می‌شود.

فرضیه

منظر در عرصه‌های پسا صنعتی دارای ساختار زبانی متفاوت با عرصه‌های دیگر است. این تمایز ساختاری در قالب شاخص‌های گرامری قابل مشاهده است.

ساختار زبان منظر

واژگان یک متن یا هر زبان ارتباط نزدیکی دارد؛ از یک سو به گنجینه واژگان آن زبان تعلق دارد و از سوی دیگر به گونه‌ای سازمان‌دهی شده با قواعد ساختاری آن زبان، هماهنگ است. این هم‌نوایی، به بشر اجازه خواندن، نوشتن

و ادراک متقابل را می‌دهد. به طور مشابه، منظر نیز نوعی سازمان‌دهی فضایی و بیان بصری از ایزه‌ها را در دو و سه بُعد به وجود می‌آورد که به ایزه‌ها اجازه خوانده شدن، نوشته شدن و ادراک توسط انسان را می‌دهد. اصول ساختاری زبان منظر توصیفی است نه تجویزی، بازتاب کاربرد منظر است، به خواندن و ساختن آن کمک می‌کند و نیازی ندارد از راه‌های خاص و مشخص ساخته شود؛ اگرچه برخی راه‌ها نسبت به بقیه قابلیت انطباق بیشتری دارند. ایجاد هماهنگی در ساختار زبان منظر کاری جسورانه است زیرا زمینه‌ها چندلایه و پویا هستند. پیامدهای ساخت منظر باید ارزیابی شود، در صورتی که پاسخ مناسب و مشخصی برای حل مخاطرات یک مکان یافت نشود یا زمان منظر، مانند زمان در یک جمله، نادیده انگاشته شود، مواد، فرم‌ها یا فرآیندهای انتخاب‌شده برای ساخت منظر، نه تنها معنای مورد نظر را انتقال نمی‌دهند، بلکه آن را تضعیف می‌کنند یا قادر به بیان آن نخواهند بود (اسپیرن، ۱۳۸۴).

در نگارش این مقاله اینکه چگونه قواعد گرامری منظر می‌تواند ایزه‌ها را از گنجینه واژگان منظر بگیرد، آنها را با هم مرتبط سازد و از آنها الگوهایی به وجود آورد که شخصیت متمایزی از منظر را توصیف کند مورد توجه قرار گرفته است. الگوها با تشریح و توصیف همه جنبه‌های یک مسئله، مانند یک شهر، خانه، باغ، اتاق و...، مشخصات کلیدی راهکار آن مسئله را پیش می‌نهند، به گونه‌ای که هر کس می‌تواند به روش خویش و بسته به موقعیت و شرایط خود، این زبان و راه حل را به کار گیرد (پاکزاد، ۱۳۸۸).

در ساختار زبان منظر، با نوعی صرف و نحو منظر سروکار داریم که شامل دو مرحله رفت و برگشتی زیر است:

۱. گرامر تحلیلی منظر (Analytical Landscape Grammar)
۲. گرامر زاینده منظر (Generative Landscape Grammar) (Mayall, 2002)

دستور زبان تحلیلی منظر پسا صنعتی
یکی از وجوه افتراق گرامر تحلیلی منظر در عرصه‌های پسا صنعتی با دیگر عرصه‌ها، نوع نگرش متمایز به مقوله زیرساخت‌های منظر است. در این فرآیند، ایزه‌های منظر باید به عنوان واژگان منظر ارزیابی شوند و با بررسی پیکربندی آنها در ظرفی به نام «منظر»، قواعد ساختار فضایی هر گونه از آنها شناسایی شود. گرامرهای تحلیلی به منظور ارزیابی ترکیبی یک ساختار یا الگو در منظر، با تلاش در تجزیه آن ساختار مطابق قواعد دستوری به کار می‌روند. در این مرحله، منظر را همچون پازلی کامل فرض می‌کنیم و به ساختار شکنی هدفمند آن دست می‌زنیم؛ نوعی واسازی که به طور هم‌زمان با طبقه‌بندی ایزه‌ها همراه است. قطعه‌های از هم باز شده این پازل، منحصراً در انتقال مفاهیم نارسایی‌های دارند که ضرورت ساختار حاکم را آشکار می‌سازد. در این مرحله به دنبال ساختارها و لایه‌های حاکم می‌گردیم.

در ادبیات پسا صنعتی، عرصه قهوه‌ای به جای عرصه سبز، مبنای تلقی می‌شود و برخلاف تعابیر معمول منظر است که در آن عرصه زنده‌فعالیتی بشر-گاه عرصه سبز-موضوع اصلی قرار گرفته و عناصر فرسوده زوده می‌شوند. در بسترهای پسا صنعتی موضوع اصلی، بافت پیرامونی و عناصر فرسوده هستند که زنگار زمان به خود گرفته‌اند و مبنای تجزیه عناصر در گرامر تحلیلی منظر پسا صنعتی محسوب می‌شوند.

در حقیقت، گزینش و استخراج عناصر زبان منظر پسا صنعتی، براساس نوع زیبایی‌شناسی غیر متعارف، پذیرش فرسودگی و لایه‌های نیمه‌ویرانیست که ممکن است در دیگر عرصه‌های منظر استخراج نشوند یا در ادراک منظر نقش مهمی را ایفا نکنند. بافت‌های پسا صنعتی برخلاف دیگر بافت‌های منظر، نه تنها جنسیتی طبیعی یا ساخته‌شده به منظوری به کارگیری در منظر را ندارند؛ بلکه این گونه بافت‌ها عموماً خشن و از جنس مستحداثاتی صنعتی است که زمانی کاربردی دیگر داشته‌اند و اکنون راوی داستان زندگی ما قبل خویش هستند.

Pic1: High line is not an architectural project but a complete landscape project, a park on a transport facility, or rather a kind of roof garden that has many different terrains, paths, rest areas and plant beds varying in width and interlocking in different ways, New York. Source: Askarzadeh, 2011.

تصویر ۱: های لاین نه یک معماری بلکه یک پروژه کاملاً منظرین است، بیشتر شبیه یک باغ بام است که شامل سطوح افقی مختلف، مسیرها، عرصه‌های استراحت‌گاهی و پوشش‌های گیاهی متنوع در مقاطع عرضی و مختلف در نوع اتصال است، نیویورک. مأخذ: عسکرزاده، ۱۳۹۰: ۷۰.

در نهایت مشاهده می‌شود در گرامر تحلیلی منظر پسا صنعتی، زیبایی‌شناسی، لایه‌ها، عملکردها و بافت‌های منظر، ماهیتی متفاوت با منظرهای دیگر دارد که با به کارگیری در دستور زبان زاینده منظر، ادبیاتی گوناگون را رقم می‌زند.

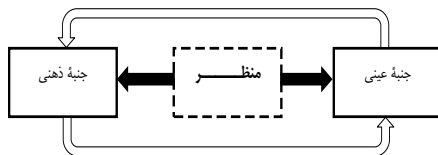
دستور زبان زاینده منظر پسا صنعتی

در این گرامر، عناصر فراهم‌شده از دستور زبان تحلیلی منظر پسا صنعتی، سنتز و ادغام شده و با ادراک مخاطب منظر، واحدهای اطلاعاتی متمایزی را به ازای هر شخص به وجود می‌آورد. در واقع در این مرحله پازلی پیچیده از قطعات گسسته تحلیل شده از فرآیند قبل را در کنار استنتاج‌ها و لایه‌های جدید ادراک‌شده از منظر در اختیار داریم که به چیدمان و امتزاج دوباره نیاز دارند. این فرآیند می‌تواند منظر را به طور تدریجی و یا آتی تولید کند و همچنین در این ترکیب جدید، ایزه‌ها می‌توانند شامل مواردی انتزاعی خارج از فرآیند واسازی شده باشند.

در مقایسه گرامر زاینده منظر با دیگر عرصه‌ها، این نوع در منظر پسا صنعتی سعی بر این دارد که ایزه‌ها را در کنار هم قرار دهد. سازمان‌دهی این ایزه‌ها در منظر پسا صنعتی، حالت کلاژ و چیدمانی به خود می‌گیرد. مقصود از این گونه سازماندهی و سنتز چیدمانی در حقیقت قراردادن مخاطب در حفره‌های منظر است تا امکان ادراک و برداشت آزادانه را به وی دهد. دستور زبان زاینده منظر پسا صنعتی، نوعی طراحی در میان این حفره‌هاست، به گونه‌ای که اجزا و عناصر منظر را در محدوده این حفره‌ها جهت‌دهی کند تا دیالکتیک انسان و منظر برقرار شود.

از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت گرامر زاینده منظر پسا صنعتی با رویکردی غیرآمرانه و فارغ از القای مفهومی جبری به مخاطب، سعی در برقراری گفتمان با وی را دارد که این ارتباط در دیگر منظرها به گونه‌ای برنامه‌ریزی‌شده و مدون انجام می‌شود (شکل ۱).

دستور زبان تحلیلی منظر



شکل ۱. صرف و نحو منظر، مأخذ: نگارنده، ۱۳۹۱.

Shape1. Landscape Grammar diagram. Source: Author, 2013.

ساختار زبان منظر عرصه‌های پسا صنعتی

در نهایت با این نگرش به ادبیات منظر پسا صنعتی، به استخراج شاخص‌ها در سه نمونه از تجارب جهانی منظر پسا صنعتی می‌پردازیم.

۱. منظر پسا صنعتی به عنوان زیرساختی افقی، بدون تزریق عملکرد ثابت

در منظر پسا صنعتی، سطوح افقی به عنوان زیرساختی شهری که با بارور کردن فعالیت‌های شهری در بستر خود



تصویر ۱
Pic 1

گونه‌ای از فضا را شکل می‌دهند که برنامه و عملکرد آن به دست مخاطب است. نمونه برجسته این شاخص، پروژه‌های لاین (High Line) نیویورک توسط جیمز کورنر (James Corner) است (تصویر ۱).

مناظر تلف‌شده، نتیجه طبیعی فعالیت‌های مصرفی و رشد صنعتی و اقتصادی است و در واقع «از شاخص‌های سلامت رشد شهری» هستند؛ چراکه براساس قاعده طبیعت، رشد و تکامل مستلزم تولید پسماند اجتناب‌ناپذیر است (Berger, 2006).

۲. منظر پسا صنعتی و لایه‌بندی استراتژیک

مطابق هر از گانسیم تکامل‌یافته‌ای، منظر پسا صنعتی در مراحل مختلف دگرگونی خود صفت‌هایی را حفظ می‌کند، لایه‌های مختلفی را به وجود می‌آورد و امکان قیاس‌پذیری را برای مخاطب طی انفصال‌هایی فراهم می‌کند. توجه به فرآیند طراحی استراتژیک که با مفصل‌بندی، امکان هم‌پوشانی لایه‌ها را میسر می‌کند، شاخصی است که نخستین بار به طور ویژه در طراحی مسابقه پارک لاولیت (Parc de la Villette) توسط رم کولهااس (Rem Koolhaas) مدنظر قرار گرفت (تصویر ۲).

۳. به چالش کشیدن عرف‌های زیبایی‌شناسانه : منظر زشت، منظر زیبا

در واقع با نگاه متفاوت و فارغ از تفکر دوقطبی مدرنیستی، عرصه‌های پسا صنعتی دارای پتانسیل‌های رشد و ارزش‌های غنی نشانه‌شناسی فضا (Semiotics of Space) هستند و این نوع به چالش کشیدن عرف‌های زیبایی‌شناسانه که حاصل تعامل فارغ از پیش‌ذهنیت است، برداشتی صرفاً واحد و یگانه را موجب نمی‌شود و محیط منظر به گونه‌ای انسان را در مواجهه با فرآورده‌های موجود از زندگی انسانی قرار می‌دهد که طی این فرآیند، وی ممکن است متوجه انگیزتارهای گوناگونی از فضا شود. گویی منظر از هر آنچه ذهنیت ایجاد کند تهی می‌شود، در جهت ذهنیتی جدید از خود و حرکت به سوی نگاه آینده به خود (پرتار، ۱۳۹۰). این شاخص به طور خاص در رویکرد ساختارگرایانه پتر لاتز (Peter Latz) در پارک دویسبورگ-نورد (Duisburg-Nord) آلمان به چشم می‌خورد (تصویر ۳).

جمع‌بندی

به طور کلی از یک سو با مقایسه گرامرهای تحلیلی و زاینده منظر پسا صنعتی با گرامرهای سایر مناظر و از سوی دیگر با کنکاش در اصلی‌ترین تجارب جهانی در زمینه منظر پسا صنعتی و استخراج شاخص‌های این پروژه‌ها، به شیوه و ساختاری می‌رسیم که در آن منظر به علت دریافت داده‌ها و متغیرهای نامتعارف، خروجی‌های متفاوتی را به بستر انتقال می‌دهد و در واقع بازخورد و تصویری که این گونه منظر به ذهن مخاطب می‌رساند، خود گویای تمایز میان منظر پسا صنعتی و دیگر مناظر است. به عنوان مثال نوع حرکت در منظر، فعالیت‌های بستر و احساس فضایی در میان یک محیط پسا صنعتی و یک منظر طبیعی کاملاً با هم در تضاد هستند که خود نشان از گرامرهای فضایی متفاوت در منظر دارد. نکته قابل توجه دیگر این است که گرامر تحلیلی و رمزگشایی لایه‌های منظر و زندگی پیشین بستر در عرصه‌های پسا صنعتی نسبت به دیگر منظرها به مراتب نقش بیشتری را ایفا می‌کند. منظر در عرصه‌های پسا صنعتی بیشتر به دنبال قبول مکانیسم و شیوه زندگی صنعتی است تا اینکه بخواهد پدیده صنعت و متعلقات آن را از زندگی بشر امروزی جدا کند که این خود مستلزم نگاه متفاوت و گرامر منحصر به فرد در بازآفرینی مناظر پسا صنعتی است.

نتیجه‌گیری

پدیده منظر در عرصه‌های پسا صنعتی، با گرامر متفاوت خود با دیگر عرصه‌ها، نگرشی نو از حیاتی دوباره برای بستری فرسوده را مطرح می‌کند، در حقیقت این نوع نگرش برای عرصه‌های پسا صنعتی، میرایی قائل نیست. این عرصه‌ها نمی‌میرند بلکه همچون مراحل شکل‌گیری موجودات زنده، مثل رشد کرم ابریشم، در چرخه رشد و بلوغ شهری، دچار دگرپدسی (Metamorphosis) می‌شوند، به این معنا که با حفظ پاره‌ای از ارزش‌ها، از فزای به فاز دیگر انتقال پیدا می‌کنند. بنابراین از لحاظ فیزیکی و کالبدی نیز می‌بایست مشخصات مربوط به موجود دگرپدس‌شونده را دارا باشند. مبنای شکل‌گیری آنها توجه به فضای قهوه‌ای، حفره‌های منظر و تزریق زندگی شهری در این حفره‌هاست، این صفات در مورد دیگر منظرها صادق نیست، به این معنا که تا پیش از توجه به این گونه عرصه‌ها، بستری‌های فراهم‌شده برای منظر، صرفاً فضاهای سبز و گاه فضاهای خالی و پاک‌شده‌ای بود که به منظر اختصاص داده می‌شد.

با پدید آمدن نگرش پسا صنعت‌گرایی و تعمیم آن به فضاهای شهری، ادبیات جدیدی در منظر شکل گرفت. البته واژه پسا صنعتی نیز در توصیف ماهیت این عرصه‌ها نیازمند بازنگری است. به این معنا که عصر صنعت با خود، فرهنگ خاص مصرف‌گرایی و تولید پسماند را به همراه دارد و تنها با اتمام زندگی بشر بر روی زمین به پایان می‌رسد. با این بازتعریف، استراتژی رشد و دگرپدسی این گونه عرصه‌ها در قالب طراحی منظر، گرامر زبانی متمایزی را پدید می‌آورد. این گرامر، عرصه‌های متروک را با زیبایی‌شناسی فارغ از عرف‌های سنتی، بدون تزریق جبر و عملکرد فضایی و با در نظر گرفتن خصوصیات قیاس‌پذیری و لایه‌بندی، بازآفرینی می‌کند.

پی‌نوشت

۱. طرح پیشنهادی «رم کولهااس» در مسابقه طراحی پارک لاولیت رتبه دوم را کسب کرد و طرح پیشنهادی «رنارد چومی» برنده و به مرحله اجرا رسید، لیکن ساختار و استراتژی طرح کولهااس برای طراحی پارک قرن معاصر در خور بررسی است.
۲. اصطلاحی است که در علوم زیستی و جانوری به کار می‌رود و مفهوم آن در شکل‌گیری سبک فولدینگ معماری نیز نقش داشته است.

فهرست منابع

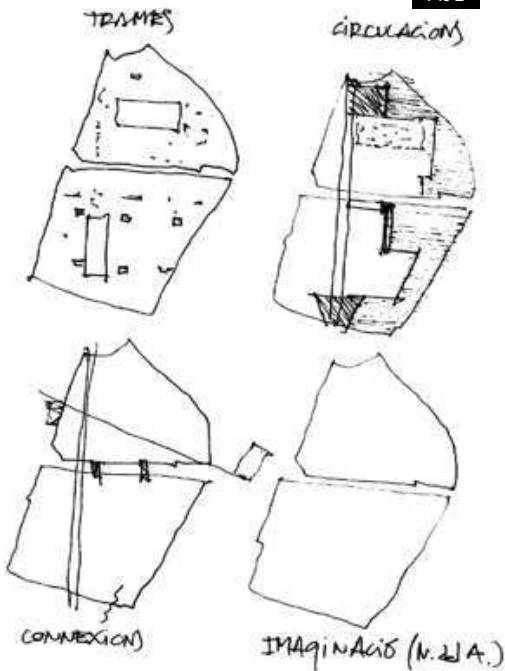
- اسپیرن، آن وینستون. (۱۳۸۴). *زبان منظر*. ترجمه: سید حسین بحرینی و بهناز امین‌زاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۸). *سیراندیشه‌ها در شهرسازی*، (۳): *از فضا تا مکان*. تهران: انتشارات شهیدی.
- پرتار، مهدی. (۱۳۹۰). *زیبایی متروکه‌ها*. تحلیل زیبایی‌شناسانه پارک دویسبورگ - نورد. *مجله منظر*، ۳ (۱۶): ۳۴-۴۱.
- عسکرزاده، محمدحسین. (۱۳۹۰). *تجربه‌ای تاریخی در منهن، احیای های لاین رویکردی در تداوم منظر شهری*. *مجله منظر*، ۳ (۱۵): ۶۶-۷۱.

تصویر ۳: کانال روباز پسا صنعتی «امشِر قدیم» که از شرق به غرب می‌گذرد، به کانال آب پاکیزه با پل‌ها و مسیرهای پیاده تبدیل شد که به طور ویژه‌ای از آب پاک باران تأمین می‌شود. دویسبورگ - نورد، آلمان. مأخذ: پرتار، ۱۳۹۰: ۳۵.

Pic3: The open waste water canal of the "Old Emscher" was transformed into a clear water canal with bridges and footpaths, exclusively fed by the clear rainwater, Duisburg Nord, Germany. Source: Partar, 2011: 66.

تصویر ۲

Pic 2



تصویر ۳

Pic 3



landscape language

Grammatical Functions of Post-Industrial Landscape

Mehdi Partar, M.A in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran. mehdiipartar@yahoo.com

Abstract: Landscape in post-industrial areas has a specific grammar from other ones. And these structural differences are visible through grammar indexes.

This article presents the concept of a landscape grammar and provides a review of this concept in post-industrial urban areas. This grammar can analyze the characteristics of a landscape by means of spatial syntax rules and using specific vocabulary for each landscape objects. On the other hand, using a generative system, helps recreate the landscape. The landscape grammar and the type of dialogue between human and landscape can be altered by changing the atmosphere of space with a growing change in economical policies of industrial age. Modern humans constantly experiences new ways of life in new urban fabrics. Changes in boundaries of the city caused by urban sprawl and encountering large scale areas which disrupt fluidity of urban activity, constitute the new paradigms of urban landscape as a new challenge as well. In fact, modern man continuously consumes the space, excretes it and faces it again. This process of encountering with abandoned human-built landscapes is a stimulus for a jump to new aesthetical landscape grammar in Brownfield areas. The rest of this paper seeks to extract and conclude some indicators for landscape grammar in post-industrial areas by using 3 examples of basic approaches of landscape theorist in 3 projects.

Landscape in post-industrial urban areas is revivable and urban life is not only stopped in these areas but also lasts and grows just like a silkworm and these areas have a concept of metamorphosis. This concept includes physical aspects of an evolving organism and the term "post-industrial" needs to be modified through this kind of interpretation. Culture of industrialization life will remain until human exists on this planet. According to this reinterpretation these areas will gain specific characteristics of metamorphosis and some of its indicators include items below:

- New aesthetical sense of a place
- Analogical values of result landscape and articulating layers of information
- Horizontal surfaces without strict function of space

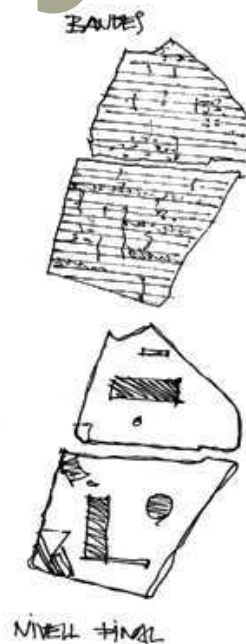
Keywords: Urban Landscape, Pattern Language, Landscape Grammar, Post-Industrial landscape.

Reference list

- Askarzade, M.H. (2011). A historical experiment in Manhattan, Highline renovation, an approach to cityscape continuity. *Journal of MANZAR*, 3(15): 19.
- Berger, A. (2006). *Drosscape: Wasting Land in Urban America*. New York: Princeton Architectural Press.
- Mayall, K. (2002). *Landscape Grammar*. Doctoral of Philosophy in Planning Thesis. Ontario: Waterloo University.
- Pakzad, J. (2009). *an Intellectual History of Urbanism (3): From Space to Place*. Tehran: Shahidi Press.
- Partar, M. (2011). Aesthetics of abandoned space, Aesthetical analysis of Duisburg- Nord Park. *Journal of MANZAR*, 3(16): 60-67.
- Spirn, A. W. (2005). *Language of Landscape*. Translated from the English by: Bahreini, S. H. and Aminzadeh, B. Tehran: Tehran University Publications.

تصویر ۲: کولهااس در مورد طرح می گوید: برای اتخاذ چارچوبی که توانایی جذب هر چه بیشتر معانی، توسعه پذیری و اهداف را داشته باشد خود را محدود کردیم، بدون اینکه صورت مسئله را شامل سازش، الحاق یا تناقض کنیم. استراتژی ما به توافق رسیدن بر سر مسئله ساده بعد ماجراجویی بود. مأخذ: www.wordpress.com

Pic2: Koolhaas explains: We have confined ourselves to devising a framework capable of absorbing and endless series of further meanings, extensions, or intentions, without entailing compromises, redundancies, or contradictions. Our strategy is to agree on the simple dimension of adventure. Source: www.wordpress.com



در کالبد شهر مدرن، همیشگی عرصه‌هایی وجود دارد که تصور می‌شود حیات و زندگی شهری در آنها متوقف شده است. نمودی از این عرصه‌ها، منظر پساصنعتی است. در نظر گرفتن حیاتی دوباره برای این عرصه‌ها با دگر دیسی در کالبدشان، رویکردیست که دستور زبان جدیدی برای منظر شناسایی می‌کند و صرف و نحو فضایی متفاوتی در ادبیات آن شکل داده است. منظر پساصنعتی زبانی نامتعارف با زیبایی شناسی رایج در منظر دارد و فضایی را فراهم می‌آورد که مخاطب را از عرف‌های پیشین دیگر فضاهای شهری خارج می‌کند. سازمان دهی لایه لایه منظر پساصنعتی، فرد را بدون جهت دهی و پیش داوری به سوی ادراک فضا پیش می‌برد.

